

شماره هشت: ۲۸۱۰

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۲	تقطیه اخباری و انسائی.....
۲	نفاق انسائی و خبری.....
۳	بحثی در وجوب یا عدم وجوب صدق.....
۳	معانی صدق.....
۳	مقدمه: انواع موجودات به لحاظ حکایتگری.....
۳	نوع اول: موجوداتی که فقط حکایتگر وجود دیگر می باشند.....
۳	نوع دوم: وجوداتی که علاوه بر حکایتگری دارای هویت می باشند.....
۴	معنای اول صدق: مطابقت قول با نفس الامر.....
۴	معنای دوم صدق: مطابقت قول و عقیده با عمل.....
۵	محل بحث: صدق به معنای اول «مطابقت قول با نفس الامر».....
۵	دلالت روایات بر وجوب صدق.....
۵	معنای وجوب صدق: صدق حدیث نه تحدث به صدق.....
۶	محور صدق: قصد إخبار.....

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث در نسبت کذب با برخی عناوین مانند نفاق، تقيه، ريا بود که در باب تقيه و نفاق نکته‌ای باقی‌مانده است که به آن اشاره می‌کنیم.

تقيه اخباری و انشائی

در تقيه هم حالت اخباری و هم حالت انشائی وجود دارد که هر دو نوع تقيه باوجود شرایطش، در شرع تجویز شده است. تقيه انشائی به اين معنا است که مثلاً گاهی انسان در شرایطی قرار می‌گيرد مانند داستان عمار و مادرشان، که باید برای جلوگیری از ضرر برخلاف آنچه عقیده دارد انشاء شهادت به کفر کند و تقيه اخباری هم مانند تقيه‌ای که حالت اخباری در آن وجود دارد و از باب تقيه و برخلاف واقع و باطن چه بالمخالفة و چه بالالتزام خبر می‌دهد. آنچه بيان شد در اينکه گاهی تقيه مصدق كذب قرار می‌گيرد، مراد تقيه خبری می‌باشد اما تقيه انشائي ارتباطي با كذب ندارد.

نفاق انشائي و خبرى

در نفاق هم مانند تقيه گاهی نفاق، نفاق انشائي است بهخصوص در نفاق اعتقادی که غالباً همين طور است و گاهی نفاق خبری است مانند «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهُدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ»^۱ که عبارت «قَالُوا نَشْهُدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ» هم می‌تواند اخباری باشد و هم انشائي باشد که هر دو مصدق نفاق می‌باشد و آنچه در ارتباط با ارتباط كذب با نفاق مطرح شد، مراد نفاق خبری می‌باشد و نفاق خبری می‌تواند مصدق كذب واقع شود.

^۱ - منافقون / ۱

بحثی در وجوب یا عدم وجوب صدق

بحث بیست و پنجم که گاهی نیز در بین مردم هم مطرح می‌شود این است که آیا صدق هم واجب است یا اینکه فقط کذب حرام است؟ اگر واسطه‌ای بین کذب و صدق نباشد، این سؤال چندان مهم جلوه نمی‌کند ولی اگر واسطه‌ای یا نکته خاصی در کار باشد این سؤال اهمیت پیدا می‌کند. قبل از پاسخ به این سؤال نکاتی را مطرح می‌کنیم.

معانی صدق

ماده صدق و به تبع ماده صدق مشتقات آن مانند صادق دارای دو معنا می‌باشد.

مقدمه: انواع موجودات به لحاظ حکایت‌گری

قبل از آنکه معنی صدق را بیان کنیم لازم است در ابتدا به انواع موجودات به لحاظ حکایت‌گری و عدم حکایت‌گری آن‌ها اشاره کنیم.

نوع اول: موجوداتی که فقط حکایت‌گر وجود دیگر می‌باشند.

نوع اول از وجودات، وجوداتی است که ذات و شأن آن‌ها، حکایت‌گری می‌باشد و حاکی از وجود و چیز دیگری می‌باشد مثل اینکه وقتی شخصی سخن و کلامی می‌گوید آن سخن یا ایقاعی است و مطلبی را ایقاع می‌کند و یا اینکه خبری است و حکایت‌گر معنای دیگری می‌باشد و خود آن سخن موضوعیتی ندارد مانند قول، اشاره و دوام وضعی لفظی و اشاری که هویت آن‌ها هویت دلالی و حکائی می‌باشد. البته در برخی موارد هم استثناء هم وجود دارد مثل اینکه خود حرف زدن موضوعیت داشته باشد نه اینکه معنای آن مراد باشد مانند جایی که بخواهد حرف زدن را به بچه‌ای آموزش دهد. اما معمولاً جملات خبری ذات و هویت حکایت‌گری دارند

نوع دوم: وجوداتی که علاوه بر حکایت‌گری دارای هویت می‌باشند

نوع دوم وجوداتی است که در ذات خود یک هویت، فلسفه‌ای و هدفی دارند گرچه می‌توانند حکایت از چیز دیگری هم باشند. مانند افعال انسان مثل نمازخواندن تجارت کردن که ذات و هویت این‌ها حکائی نیست و خود این افعال موضوعیت دارند اما اگر در برخی از این افعال دقت شود به نوعی دارای دلالت‌های عقلی، طبیعی و عرفی

می باشند مانند اینکه هرگاه شخصی کاری انجام می دهد دلالت بر این دارد که دارای حیات می باشد و مشاعر ش در حال کار کردن می باشد و در مواردی ممکن است این نوع وجودت مانند نوع اول چیزی را انشا کنند و یا اینکه حکایتگر و خبردهنده از وجود و چیز دیگری هم باشند اما در هر حال فلسفه و هویت اصلی آنها حکایتگری نمی باشد.

معنای اول صدق: مطابقت قول با نفس الامر

معنای اول صدق و کذب معنایی است که از اوصاف خبر و مخبر می باشد و ویژه نوع اول وجودت یعنی وجوداتی که ذات آنها این است که یحکی عن الامر الآخر و از چیز دیگری حکایت می کنند، می باشد و صدق به معنای مطابقت با واقع و نفس الامر می باشد و معنای کذب هم عدم مطابقت با واقع و نفس الامر می باشد. البته در این معنا اراده مخبر هم مهم است که آیا اراده مخبر بر صدق و بیان واقعیت بوده است و یا اینکه اراده مخبر، کذب و عدم بیان واقعیت بوده است. البته در تفکرات فلسفی جدید مانند تفکرات پرآگماتیسم‌ها، ملاک‌های دیگری مانند وجود فایده عملی یا نبود فایده عملی و یا انسجام و یا عدم انسجام گزاره‌ها بیان شده که باید در جای خود بحث شود ولی آنچه مسلم و قابل دفاع است همان است که بیان شد.

معنای دوم صدق: مطابقت قول و عقیده با عمل

معنای دوم صدق اعم از معنای اول صدق می باشد و اختصاص به اقوال و مطابقت قول با واقع و نفس الامر و همچنین اختصاص به وجودت نوع اول ندارد بلکه به معنای مطابقت عمل و کردار شخص با قول و عقیده آن شخص می باشد و یا در انشائات به این معنا است که آن شخص متعدد به آن انشاء و ایقاع می باشد. به شخصی که چنین ویژگی را داشته باشد شخص صادق گفته می شود. پس صدق معنای دومی دارد که تطابق خبر با مخبر عنه نیست (که معنای اول بود) بلکه تطابق یک لایه از وجود انسان با لایه دیگر وجود انسان یعنی تطابق عمل شخص با قول و عقیده و همچنین در انشاءات به معنای متعدد بدون شخص نسبت به آنچه انشاء نموده می باشد. صدق در آیه «من

شماره هشت: ۲۸۱۰

الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ^۱ به همین معنا می‌باشد. و کذب هم طبق این معنا عدم مطابقت قول و عقیده با عمل می‌باشد. صدق در این معنای دوم زیاد به کار می‌رود و در قرآن نیز در مواردی به کاررفته است و گاهی نیز کذبی که در مقابل معنای دوم صدق می‌باشد، به کار می‌رود.

محل بحث: صدق به معنای اول «مطابقت قول با نفس الامر»

معنای اول صدق که مطابقت قول با نفس الامر و به عبارتی مطابقت خبر با مخبر عنه است، محل بحث می‌باشد نه معنای دوم صدق.

دلالت روایات بر وجوب صدق

روایات مرتبط با محل بحث در کتاب العشره باب ۱۰۸ باب وجوب صدق، باب ۱ حدیث ۲، باب ۲ حدیث ۷، و ابواب ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۳ و ۱۴۳ و همچنین در ابواب جهاد النفس در ذیل روایات امر به معروف باب ۲ حدیث ۷ و باب ۴ حدیث ۲ و ۴ و ۸ و ۱۱ و همچنین در باب ۶ احادیث مرتبط با بحث ذکر شده است که برخی روایات فقط بر رجحان و برتری صدق دلالت می‌کنند اما روایاتی نیز وجود دارد که بر وجوب صدق دلالت دارند و به واسطه همین روایت وجوب صدق ثابت می‌شود.

معنای وجوب صدق: صدق حدیث نه تحدث به صدق

مطلوب دیگری که باید بیان شود این است که معنای وجوب صدق چیست؟ آیا به این معنا است که انسان لازم هر سخن راستی را بگویید؟ در جواب باید گفت خیر معنای وجوب صدق این نیست که بر انسان لازم است هر سخن راستی را بگویید بلکه بدین معنا است که اگر انسان سخنی در مقام اخبار و حکایت گفت آن سخن باید راست باشد



شماره هشت: ۲۸۱۰

و نباید دروغ باشد و به عبارتی معنای یجب الصدق این است که إذا تحدّثَ فعليكَ أَنْ تكونَ صادقاً نَهْ اينکه یجب عليكَ أَنْ تتحددَ بالصدقِ پس وجوب روی صدق حدیث رفته است نه روی تحدّث به صدق.

محور صدق: قصد إخبار

با توجه به اینکه به نظر ما توریه جایز است و محور کذب قصد می‌باشد در طرف صدق هم محور صدق کلام، قصد إخبار می‌باشد بنابراین جایز است کلامی ذکر شود هرچند مطابق با واقع نباشد به شرطی که ظاهر آن کلام قصد نشود و متکلم توریه کند و این کلام خلاف صدق نمی‌باشد چون مراد از صدق در ادلہ وجوب صدق با توجه به ادلہ جواز توریه صدق مخبری است نه صدق خبری و بر اساس همین مطالب واسطه‌ای بین صدق و کذب وجود ندارد.